

کتابخانه خصوصی  
غلامحسین - سرود



شرح کتاب دعاء شرح کتاب فضل قرآن  
شرح کتاب عشق ملا خلدی اراصول کانی  
ما انضمام شرح دیگر کتاب دعاء از مستر احمد و کتاب فوس  
و اینم بنده خاطر محترم فرموده شد  
الحسنه الاصله امام جماعت در مسجد جامع جدید عباسی



در دفتر ثبت و ضبط کتاب ۱۳۴۲



۱۴۲ سرود

۲۱۳۳۰۵

کتابخانه مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران

کتاب معانی شرح کافران

مؤلف مراد حسن زاده

موضوع

شماره ثبت کتاب

۱۱۲۳۰۵

شماره اختصاصی (۱۴۲) از کتب اهدائی : غلامحسین سرود



صفت جلد است

کتاب عشق

کتابخانه خصوصی  
غلامحسین - سرود

کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
فصل کتاب اهدائی  
غلامحسین - سرود  
۱۳۴۲

شرح کتاب دعاء شرح کتاب فضل قرآن  
شرح کتاب عشق ملاحظه ارا اصول کانی  
ما تصفا م شرح دیگر کتاب دعاء از منیر احمد و کتاب شرح  
و تفسیر خطه خطه محمد باقر  
الحسنه الصفیة امام جماعت در مسجد جامع جهره عسکریه



در دفتر نشر و جعل ملک ۱۳۴۲



۱۴۲ سرود  
۲۱۳۳۰۵

کتابخانه مجلس شورای اسلامی		
کتاب: همانی شرح و کلام		
مؤلف:	مرکز علم و ادب	شماره ثبت کتاب:
موضوع:	س	شماره اختصاصی (۱۲۲) از کتب اهدائی: غلامحسین سرود







پایان

شماره

وَإِذَا كَانَ عَلَىٰ فِئَةٍ مِّنْكَ دَخَلَ مَكًّا  
بِلَاؤُهُ وَنَارُهُ وَفِي هَذَا آيَةٌ حَقِيقَةٌ























الطاهر **شرح** عا کنت و شنبه نام امام جعفر صادق علیه السلام که میگفت دوستی صالحی را میسر  
و صحت کلامت تو است برای صالحی که دوست داشته باشد و دوستی فاسقان و مصالح را از او بپوشد  
که نیست برای صالحی نه یعنی که نیست برای کسی که با او دوستی دارد که فاسقان  
مکشور نشوند و دوستی او با فاسقان میسر نیست و اصل او را در او میسر است و دوستی او با  
و دشمنی فاسقان و مصالح را دوستی را نیست برای صالحی که گرفتار دشمنی فاسقان باشد  
نشد و دوستی صالحی را در فاسقان کلامت رسوایی و خواریت در دنیا و آخرت که گشته باشد  
و دوستی فاسقان را در دنیا و آخرت که گشته باشد که صلی با فاسقان گشته باشد و دوستی  
نابینم و چون از مسکوت و کتاب مسلم احادیث خود را که از کلام رسالت و بر رسوایی میگویند  
شده و خوار شده **مفسر** عن ابی عبد الله علیه السلام عن ائمه علیهم السلام قال قال ابی بکر  
الحسن صلوات الله علیه یا بنی انظر حجة فلا تضاهيهم ولا تخادهم ولا ترائهم في امر  
بالاخذ من هم فيهم قال انك و مصاحبه الكذاب فانما تترى في التراب تعزيب لك البغضاء  
لكن القريب **شرح** مجموع این حدیث که است که کتاب ایمان و کفر و حدیث و غیره باب مذکور است  
که باب بحال اهل المعاصی است و در اینجا مذکور است که هر که کذاب در این حدیث بخیر نشد و غرض  
رومی نیست و او نه سراب است که خرد آساید و باعث حیرت و آساید و عاقل انصاف آن را  
نزدن میکند **بسی** و دوستی از امام جعفر صادق علیه السلام از پدرش امام محمد باقر علیه السلام گفت که گفت  
ما بریم امام زین العابدین صلوات الله علیه بر کسی که با او دشمنی کنی یا دشمنی کنی با او  
و دشمنی کنی با او یا دشمنی کنی با او یا دشمنی کنی با او یا دشمنی کنی با او یا دشمنی کنی با او  
ایشان را گفت دور از این که بگویند و دشمنی فاسقان را در کفر و حدیث و رسول را چه بدستی که او  
فاندر سراب است که در صحرا و خور است و باعث حیرت و آساید و عاقل انصاف بود و ندان آن میکند  
پایان سخن و در حدیثی که کذاب نزدیک بغیر و میسر برای تو دور از عقل را مثل احادیث

درین حدیثی نقل و در عقل و میسر برای تو نزدیک بغیر و میسر برای تو دور از عقل را مثل احادیث  
نقل صحیح شد **مس** و انك و مصاحبه الفاسق فانك باكلها و اقل من ذلك و  
انك و مصاحبه البغض فانك تجده لك في ما لا يحرج ما تكون اليه و انك و مصاحبه الا  
فانك تريد ان يتفك فبشر **شرح** مراد اینست با و الف و سیرن مبطه و هر فاجرت که پان  
در حدیث اول این باب که لغیر غیر و سکون کاف و کسر لام و ضمیر راجع باقی است اول  
کسی که اهل دنیا و دور از این که بگویند و مصاحبت و هر فاجرت که عدول از علم دین کرده و عدول  
بی ثباتی است و چه بدستی که میفرستد ترا بنیبال اینا برای خودی که از ان مثل شخص امان  
و دور از این که بگویند و مصاحبت بخیر را چه بدستی که اهل دنیا و سکون در ترا در اهل خود و فاسق  
که احتیاج تو به پیشتر از حدیث باشد و دور از این که بگویند و مصاحبت کردن را چه بدستی  
که او را بی بخیر و کفر رسد و بدستی که میگوید پس سر بر سر سازد **مس** و انك و مصاحبه  
الفاطیله لرحمة فاني و حدة متلفون بالكتاب الله عز وجل في لمة من اوسع قال الله عز وجل  
فهل عسى ان توأمن ان تقبلوا الا الاذن و تقطعوا زحاماكم اولئك الذين نعیم الله  
فانهم و اخی انصارهم **شرح** و دور از این که بگویند و مصاحبت کسی که قطع رحم خود کند  
چه بدستی که من یا هم و ملعون و فاسق این را که گفته است و عدول و رسوایی  
عبد و الله پس از آنکه ای شما فاسقان اگر متولی اوست شود و غضب اوست که بگوید و کند  
در زمین بخیر و شرافت از دین من که باعث محاربات میان اهل اسلام میشود و پاره و پاره جمعی  
خود را اشارت و پنج بنی امیه یا بنی هاشم و کرد و در دین اعام بود و دان حاجت که فاسق  
را که میکشند آن مجید که لغت کرده است و عدول پس کرده و دشمنی این را از دشمنان است  
قرآن و کور کرده و بدی و لهامی این را از دشمنان است که کلمات قرآن و کور کرده و بدی  
بسی **مس** و قال الله عز وجل الذين يقتلون محمد الله من بعد رسوله و يقتلون ما لله

یعنی

اولی الامر

است از او



که دوستم که در پیشه جزیانی  
نماز او منوم کسی

2

[illegible]



































































2

الْعَلَّةُ فَقُلْتُ مِنَ الْإِنْفِ فَقَالَ لِي  
أَصْبَحَ الْخَطَا فَعَلْتُ حَمَلَتْ فَوَالِ مَنْ  
أَتَيْتُ فَمَجَّحَ















[illegible]

●

مس کائنات رسول الله صلى الله عليه وآله وأما إذا دخلت لافعة في أدنى المجلس إلى حين يدخل  
عاش رسول الله صلى الله عليه وآله من أول مجلس فيه ثم تلت في المجلس















































و نویسی که خوان کتابت که این  
از ابو فایز است چه این دولت  
وضع نیست بیکند

42

روایت از امام رضا علیه السلام که فرمودند  
ای بود که بخل چشیده هرگز در کوزه نماند  
گفت باکی نیست باین نعم پس من بخل  
چون عقیقه اندر می کشاوی چنین  
علیه السلام ص ۲۰۴ شرح







لله  
الحمد  
والصلاة



[illegible]















جانب الیہ

هر دو مستور بود که خدا بعبودت مجبور باشد و خدا که غفلت کند باشد که غیب فعل شده باشد و مستور  
 معصوم بنحوی باشد و بر او ایمنی داده و چیزی باشد یعنی کار کار داده و نکرده و نه و نکرده و نه و نکرده و نه و نکرده  
 یعنی معصوم و کار باشد یعنی کار کار داده و نکرده و نه و نکرده و نه و نکرده و نه و نکرده و نه و نکرده  
 سنده و ایت دانام حضرت صادق علیه السلام که گفت که چون نریزی بر دست بن تو را سنگی که شده و چشم  
 در باب و رب فرست و این چنین است شد و او را و تو چنینی که کار است بر دست هدف با جانت بر سر  
**الحمد لله رب العالمین** قال الله عز وجل یحییٰ من یشاء ویمیت من یشاء و الله ذو العرش العظیم  
 و الله یحییٰ من یشاء و الله یمیت من یشاء و الله ذو العرش العظیم  
 و اینست دانام و هر دو علیه السلام گفت که بر کسی که سر خود را دست میدهد و نه بر کسی که سر خود را  
 بر سر خود داده و پس شما را و ده گانه و در قرآن که بر کسی که سر خود را دست میدهد و نه بر کسی که سر خود را  
 گرفته و نه بر کسی که سر خود را گرفته و نه بر کسی که سر خود را گرفته و نه بر کسی که سر خود را گرفته  
 بلکه **الحمد لله رب العالمین** قال الله عز وجل یحییٰ من یشاء ویمیت من یشاء و الله ذو العرش العظیم  
**الحمد لله رب العالمین** قال الله عز وجل یحییٰ من یشاء ویمیت من یشاء و الله ذو العرش العظیم  
 نصف الفیل و یحییٰ من یشاء ویمیت من یشاء و الله ذو العرش العظیم  
 با است و غیر ما مع جماعت است و معتران این حدیثی است که در کتاب اصول و حدیث است که در کتاب  
 الفروع و در حدیث است و در حدیثی است که در کتاب اصول و حدیث است که در کتاب  
 نصف نصف ایضا در حدیث است **الحمد لله رب العالمین** قال الله عز وجل یحییٰ من یشاء ویمیت من یشاء و الله ذو العرش العظیم  
 که بشود و یکبار در حدیث است و در حدیثی است که در کتاب اصول و حدیث است که در کتاب  
 در حدیث است که در کتاب اصول و حدیث است که در کتاب اصول و حدیث است که در کتاب  
 آن را در حدیث است که در کتاب اصول و حدیث است که در کتاب اصول و حدیث است که در کتاب  
 دانام و هر دو علیه السلام گفت که بر کسی که سر خود را دست میدهد و نه بر کسی که سر خود را















































Handwritten notes in Urdu script.

2







اشد ان جعلت ثلث متكررات لك فقال له خيرا قال يا رسول الله ان جعلت نصف متكررات لك فقال  
 له ان افضل قال ان جعلت كل متكررات لك فقال ان جعلت نصف متكررات لك فقال  
 يا خير لك قال ان جعلت نصف متكررات لك فقال ان جعلت نصف متكررات لك فقال  
 لا اشد بالصلوة على محمد وآل محمد **ثاني** جعلت باي ثلث استسبح الله في كل يوم سبعين مرة  
 كذا في غير مجزور قال لا اشد **ثاني** جعلت باي ثلث استسبح الله في كل يوم سبعين مرة  
 چارم اين باب **سوم** قال يا رسول الله خذني في امرها استسبح الله في كل يوم سبعين مرة  
 بالثاني **ثاني** جعلت باي ثلث استسبح الله في كل يوم سبعين مرة  
 كذا في غير مجزور قال لا اشد **ثاني** جعلت باي ثلث استسبح الله في كل يوم سبعين مرة  
 چارم اين باب **سوم** قال يا رسول الله خذني في امرها استسبح الله في كل يوم سبعين مرة  
 بالثاني **ثاني** جعلت باي ثلث استسبح الله في كل يوم سبعين مرة  
 كذا في غير مجزور قال لا اشد **ثاني** جعلت باي ثلث استسبح الله في كل يوم سبعين مرة  
 چارم اين باب **سوم** قال يا رسول الله خذني في امرها استسبح الله في كل يوم سبعين مرة  
 بالثاني **ثاني** جعلت باي ثلث استسبح الله في كل يوم سبعين مرة

محلي كذا كذا جعلت ثلث متكررات لك فقال له خيرا قال يا رسول الله ان جعلت نصف متكررات لك فقال  
 له ان افضل قال ان جعلت كل متكررات لك فقال ان جعلت نصف متكررات لك فقال  
 يا خير لك قال ان جعلت نصف متكررات لك فقال ان جعلت نصف متكررات لك فقال  
 لا اشد بالصلوة على محمد وآل محمد **ثاني** جعلت باي ثلث استسبح الله في كل يوم سبعين مرة  
 كذا في غير مجزور قال لا اشد **ثاني** جعلت باي ثلث استسبح الله في كل يوم سبعين مرة  
 چارم اين باب **سوم** قال يا رسول الله خذني في امرها استسبح الله في كل يوم سبعين مرة  
 بالثاني **ثاني** جعلت باي ثلث استسبح الله في كل يوم سبعين مرة  
 كذا في غير مجزور قال لا اشد **ثاني** جعلت باي ثلث استسبح الله في كل يوم سبعين مرة  
 چارم اين باب **سوم** قال يا رسول الله خذني في امرها استسبح الله في كل يوم سبعين مرة  
 بالثاني **ثاني** جعلت باي ثلث استسبح الله في كل يوم سبعين مرة  
 كذا في غير مجزور قال لا اشد **ثاني** جعلت باي ثلث استسبح الله في كل يوم سبعين مرة  
 چارم اين باب **سوم** قال يا رسول الله خذني في امرها استسبح الله في كل يوم سبعين مرة  
 بالثاني **ثاني** جعلت باي ثلث استسبح الله في كل يوم سبعين مرة







































Handwritten text in a cursive script, likely a historical document or manuscript. The text is written in a single column on the left page.

Handwritten text in a cursive script, likely a historical document or manuscript. The text is written in a single column on the right page.

Small handwritten note or signature at the bottom right of the right page.























الْوَجْعُ ارْتَهَابٌ يَدُونِ رَدْحِ  
جَانِبِ جَبْهَةٍ فَقَالَ يَا رَبِّ ارْتَهَابِي  
فَيَقُولُ لَهُ

افضل

کتابخانه ملی ایران

3



































































[illegible][illegible]



















وہو متیہا ورم ہا یہ ہا  
کہا یہ فیض القرآن

2

[illegible]











































والله اعلم بالصواب

[illegible]

وَيُحَدِّثُ غُلَامًا سَوَاءً وَمِنْهَا لَخَبِيرٌ غَمِيرٌ  
فَأَعْلِنُ مَا لَهُ لَأَبْعِثَ فِي السَّبْعِ الْمَلَكَاتِ







































لَا تُقَاتِلْهُمْ يَوْمَئِذٍ كَثِيرٌ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ  
يُفْقِدُونَ بَنِيَّاهُمْ وَيَحْمِلُونَ خِزْيَانَهُمْ  
وَأُولَئِكَ السَّاءُ لِرَبِّهِمْ

[illegible]







و الله اعلم  
بما فيه  
الخير  
والهدى

[illegible]



































[illegible][illegible]



























































انتمی نام

تبرکات















































































































四

وہاں سے جان بکری

25.















































































مجلس مستطاب  
نورانی و نورانی



كتاب فضائل





بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة على محمد وآله الطيبين الطاهرين  
 ودرست بجای شیعی که فی قدس اسماء و جبرئیل و جبرئیل و جبرئیل  
 افضل کتاب التوسید و کتاب الجبر و کتاب الایمان و کتاب الله شرح خود و شرح کتاب  
 القرآن و کتاب ششم است تاریخ شریف که سال هزار و شصت و نه هجری و شصت و شصت  
 کتاب **فصل فی بیان کتاب ششم** است درسی و سه و بی و چهار کتاب که هر کتاب یک  
 مجلد و پنج کتب است و در این کتاب شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 قضیت و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف  
 فضل القرآن و مقصود ما این باب بیان قضیت و شریف و شریف و شریف و شریف  
 ضرورت است و سر جوآن که آید باب بیست و دوم و شریف و شریف و شریف و شریف  
 انوار است در این کتاب چهارده باب است اول آنچه ذکر شد دوم باب فضل حق القرآن  
 باب سیم حق القرآن و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف  
 ایست فی قضا القرآن و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف  
 شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف  
 فی القرآن و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف  
 و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف  
 و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف

اول چهارده و شصت است **فصل فی بیان کتاب ششم** است درسی و سه و بی و چهار کتاب که هر کتاب یک  
 مجلد و پنج کتب است و در این کتاب شصت و شصت و شصت و شصت و شصت و شصت  
 قضیت و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف  
 فضل القرآن و مقصود ما این باب بیان قضیت و شریف و شریف و شریف و شریف  
 ضرورت است و سر جوآن که آید باب بیست و دوم و شریف و شریف و شریف و شریف  
 انوار است در این کتاب چهارده باب است اول آنچه ذکر شد دوم باب فضل حق القرآن  
 باب سیم حق القرآن و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف  
 ایست فی قضا القرآن و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف  
 شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف  
 فی القرآن و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف  
 و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف  
 و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف و شریف















































































بجانب این که غار در جهت  
شمالی است و در جهات دیگر غار  
در جهت شمال شرقی و در جهتی

و مسووفی از تو آج که از کفری خوش  
منده چشده

[illegible]

روایت کے مطابق































حاصل نیست که همه از تفریح بسیار که مشغول بفرمان شود و بحسن صحت چنانچه قرآن را  
عجی که قرآن را بیغیر خوانده شود و از خوش او مخطوط شود و چنانچه از او مخطوط بشود و گشت  
در حدیث ششم باب چهارم که در قسم من بعد بطلب به الصلوات فقال فون حسن الصلوات و حسن  
فی الکتاب فون من صفات خدایا که در تفریح از آنکه مشغول بود و از تفریح چنانچه می آید و در حدیث ششم  
این باب **باب پنجم** حدیثی است که در تفریح از آنکه مشغول بود و از تفریح چنانچه می آید و در حدیث ششم  
عنه قال ان علی بن الحسین علیه السلام کان یقرأ فی صلاته بالماء و یغسل به یدیه و یغسل به راسه  
و انما تم قرآنهم من ذلک شایعاً ما اختلفوا ان من منصفه قلت و لیکن رسول الله صلی الله علیه و آله  
و آله یصلی بالانسان و یغسل به یدیه و یغسل به راسه و یغسل به راسه و یغسل به راسه و یغسل به راسه  
الانسان من طهره و یغسل به یدیه و یغسل به راسه و یغسل به راسه و یغسل به راسه و یغسل به راسه  
که در حدیث ششم باب چهارم که در قسم من بعد بطلب به الصلوات فقال فون حسن الصلوات و حسن  
فی الکتاب فون من صفات خدایا که در تفریح از آنکه مشغول بود و از تفریح چنانچه می آید و در حدیث ششم  
این باب **باب پنجم** حدیثی است که در تفریح از آنکه مشغول بود و از تفریح چنانچه می آید و در حدیث ششم  
عنه قال ان علی بن الحسین علیه السلام کان یقرأ فی صلاته بالماء و یغسل به یدیه و یغسل به راسه  
و انما تم قرآنهم من ذلک شایعاً ما اختلفوا ان من منصفه قلت و لیکن رسول الله صلی الله علیه و آله  
و آله یصلی بالانسان و یغسل به یدیه و یغسل به راسه و یغسل به راسه و یغسل به راسه و یغسل به راسه  
الانسان من طهره و یغسل به یدیه و یغسل به راسه و یغسل به راسه و یغسل به راسه و یغسل به راسه

وین باب پنجم است که در قسم من بعد بطلب به الصلوات فقال فون حسن الصلوات و حسن  
فی الکتاب فون من صفات خدایا که در تفریح از آنکه مشغول بود و از تفریح چنانچه می آید و در حدیث ششم  
این باب **باب پنجم** حدیثی است که در تفریح از آنکه مشغول بود و از تفریح چنانچه می آید و در حدیث ششم  
عنه قال ان علی بن الحسین علیه السلام کان یقرأ فی صلاته بالماء و یغسل به یدیه و یغسل به راسه  
و انما تم قرآنهم من ذلک شایعاً ما اختلفوا ان من منصفه قلت و لیکن رسول الله صلی الله علیه و آله  
و آله یصلی بالانسان و یغسل به یدیه و یغسل به راسه و یغسل به راسه و یغسل به راسه و یغسل به راسه  
الانسان من طهره و یغسل به یدیه و یغسل به راسه و یغسل به راسه و یغسل به راسه و یغسل به راسه  
که در حدیث ششم باب چهارم که در قسم من بعد بطلب به الصلوات فقال فون حسن الصلوات و حسن  
فی الکتاب فون من صفات خدایا که در تفریح از آنکه مشغول بود و از تفریح چنانچه می آید و در حدیث ششم  
این باب **باب پنجم** حدیثی است که در تفریح از آنکه مشغول بود و از تفریح چنانچه می آید و در حدیث ششم  
عنه قال ان علی بن الحسین علیه السلام کان یقرأ فی صلاته بالماء و یغسل به یدیه و یغسل به راسه  
و انما تم قرآنهم من ذلک شایعاً ما اختلفوا ان من منصفه قلت و لیکن رسول الله صلی الله علیه و آله  
و آله یصلی بالانسان و یغسل به یدیه و یغسل به راسه و یغسل به راسه و یغسل به راسه و یغسل به راسه  
الانسان من طهره و یغسل به یدیه و یغسل به راسه و یغسل به راسه و یغسل به راسه و یغسل به راسه



پنجم باب است و سیم که باب الهاد است که آن را مطلقا خاص نفعا و صورا خاصا صورا  
 آورده است و قرات قرآن چنانچه که شد در حدیث چهارم این باب سیم خطاب مع معانی قرآن  
 خواهد بود و خواهد شد به و خطب مع احکام الهی آن و می بیند **مسلم** قال انبی صلی الله علیه  
 و آله ان من اجمل الجمال الشعر الحسن و نعمة الصوت الحسن **شیخ** اما قاضی کمال و اگر چه  
 صاحب جاست برای ما آن است مثل فی الفی الفروع و افقر الفروع الفروع الشرفی شرفی  
 و فتح و مسکن عین شیطه و در خطب مصدر باب نصر حسن زیر کمال در امر و قاضی شاد است  
 قرآن در وقت قرات قرآن و آن در می آید و در حدیث سیم و چهارم باب **شیخ** گفت  
 رسول الله صلی الله علیه و آله که هر کس که از جمله صاحب شرف حسن است شود بگوید و کسی که از جمله  
 در وقت قرات قرآن **مسلم** قال رسول الله صلی الله علیه و آله کل من قرأ القرآن و جلیه  
 القرآن الصوت الحسن **شیخ** گفت رسول الله صلی الله علیه و آله برای هر چه زیاده است و در قرآن  
 آورده است یعنی اصوات عرب بعد از حدیث الحان ایشان چنانچه می شنود و حدیث سیم  
 این باب **مسلم** عن ابي عبد الله علیه السلام قال ما لبث الله نبیا الا احسن الصوت **شیخ**  
 در حدیث آمده که هر چه صدق و حدیث شریف است و در حدیث شریف است و در حدیث شریف است  
 در حدیث شریف است و در حدیث شریف است و در حدیث شریف است و در حدیث شریف است  
 علیه السلام قال کان علی بن الحسین صلوات الله علیه احسن الناس صوتا بالقرآن و کان  
 الشفا و کان یقرآن یقرآن یقرآن **شیخ** با در قرآن یعنی فی است **شیخ**  
 از امام جعفر صادق علیه السلام گفت بود امام بنی الهادی بن علی صدقات و بگویند و در حدیث  
 آورده است و قرآن معانی یکصد و شصت و نه و در حدیث شریف است و در حدیث شریف است  
 می شنیدند و قرآن **شیخ** قال ان من عبد الله علیکم فی ان یقرآن علیکم فی ان یقرآن  
 یقرآن و احادیث **شیخ** گفت امام جعفر صادق علیه السلام که هر که در حدیث شریف است و در حدیث شریف است

دانسته آن اندک شریف و در حدیث شریف است  
 یعنی در حدیث شریف است و در حدیث شریف است  
 آنرا از حدیث شریف است و در حدیث شریف است  
 و در حدیث شریف است

نفس هر که در حدیث شریف است و در حدیث شریف است و در حدیث شریف است  
 شتاب در قرآن باشد بر کسی که در حدیث شریف است و در حدیث شریف است  
 قال قلت لا یقرآن علیکم اذا قرآن القرآن و قلت یقرآن فی الشبان قال لا  
 قرآن یقرآن علیکم قال لا یقرآن علیکم اذا قرآن القرآن و قلت یقرآن فی الشبان قال لا  
 بالقرآن صوتک و ان الله عز وجل یحب الصوت الحسن **شیخ** در حدیث شریف است  
 منون است و از امام برای امام است من القرآن فی حدیث شریف است و در حدیث شریف است  
 مجرب است و انک منسوب است و در حدیث شریف است و در حدیث شریف است  
 راجع یعنی هر که است و کسی که در حدیث شریف است و در حدیث شریف است  
 راجع کردن صوت نایع و منجم راجع کردن قرآن نظیر یکدیگر می آید و در حدیث شریف است  
 باشد و افاده این یکصد و شصت و نه و در حدیث شریف است و در حدیث شریف است  
 و منجم سست که باب فاست راجع و قرآن است و در حدیث شریف است و در حدیث شریف است  
 و منجم و از حدیث شریف است و در حدیث شریف است و در حدیث شریف است  
 از حدیث شریف است و در حدیث شریف است و در حدیث شریف است  
 بشکرت و در حدیث شریف است و در حدیث شریف است و در حدیث شریف است  
 اهل خود را و در حدیث شریف است و در حدیث شریف است و در حدیث شریف است  
 و در حدیث شریف است و در حدیث شریف است و در حدیث شریف است  
 نعمت که با نزع قرآن از نزع قرآن و در حدیث شریف است و در حدیث شریف است  
 که راجع کرده شود و قرآن بن و در حدیث شریف است و در حدیث شریف است  
 قرآن است و در حدیث شریف است و در حدیث شریف است و در حدیث شریف است  
 و منجم و در حدیث شریف است و در حدیث شریف است و در حدیث شریف است



























































































عَزَّوَجَلَّ قَالَ بَيْنَ الْأَنْثَى وَلَا يَنْتَ الْأَنْثَى **شرح** وراول سوره شعرا چنین است گفت ای انثی  
الانثی این است ای که در این سوره آمده است یعنی عجب فایده که شنیده است بعد از آن در همان  
چنین است و آیه که در این سوره آمده است یعنی عجب فایده که شنیده است بعد از آن در همان  
بسیار است و این سوره در این سوره آمده است و در این سوره آمده است و در این سوره آمده است  
صاحب کل خضیا هر کس هر چه در دل کرده از حیرت بر دل نوبت می کند که برای او دل نشانی  
صیغه مشرقه باشد یعنی از سنان کان عذاب بزبان عربی ظاهر سازند و در سینه که آن کتاب است  
برآید و در میان کتابهای مباحست با و عهد آن کتابهای اولین است **معنی** و در سینه نام  
محمد و قرآن هم صغیر صادق علیها السلام را می گفت پس بدم و را از قول امیر خود بل از سوره شعرا در این  
عرب فایده که شنیده است گفت مراد است کلام هر یک از زبانهای دیگر و او را هر یک از زبانهای دیگر  
گفت پس این عبارت از متصل است که بیان شده در حدیث و در کتاب فضل قرآن ای که آن حضرت  
بش سوره است و در جمیع کتب مبنای کتابی که از آن کتاب فایده که شنیده است و در کتاب  
این باشد که در خبر زبان عربی این است و در کتاب فایده که شنیده است و در کتاب فایده که شنیده است  
از مجموع قرآن باشد چه از خبر لازم دارد و این کل را به مراد کافی باشد که دانستی از اشعار از روی  
طن مخرج شده و مراد از این تقریری مختلف باشد که در متون است و در متون مخرج می باشد  
و مراد است سوره شعرا و در کتاب **معنی** و در کتاب فایده که شنیده است و در کتاب فایده که شنیده است  
آیه که در این سوره آمده است یعنی عجب فایده که شنیده است و در کتاب فایده که شنیده است  
هم کتاب را عجب است و در کتاب فایده که شنیده است و در کتاب فایده که شنیده است  
القرآن لا سوره و پس می گویند که در این سوره آمده است و در کتاب فایده که شنیده است  
امام جعفر صادق علیه السلام را می گفت پس بدم و را از قول امیر خود بل از سوره شعرا در این  
محمد و قرآن هم صغیر صادق علیها السلام را می گفت پس بدم و را از قول امیر خود بل از سوره شعرا در این

که زبانهای مختلف است  
و در کتابی که در این سوره آمده است  
از کتب آجینای سابق

اول

آیه او میگوید آنچه از خداوند در کتابی که در این سوره آمده است و در کتاب فایده که شنیده است  
**سوم** **معنی** و در کتاب فایده که شنیده است و در کتاب فایده که شنیده است  
القرآن لا سوره و پس می گویند که در این سوره آمده است و در کتاب فایده که شنیده است  
الناس حتی یومئذ الناس فی النار کافا فام انما علیهم السلام فرائض الله عز وجل علی حدیث و شرح  
المصحف الکی که علی علیه السلام **شرح** الحروف جمع حرف کنه و مراد از این الحروف و لغت  
باعتبار اینکه هر لغتی یکبار است از لغتی دیگر مثل لغت عرب و لغت عجم غیر متردد پس در این معنی  
قرآن است و جمیع لغات بقرآن برقرار است و در این سوره آمده است و در کتاب فایده که شنیده است  
بقام علیه السلام است **معنی** و در کتاب فایده که شنیده است و در کتاب فایده که شنیده است  
بر حال که این سوره در لغتی که در این سوره آمده است و در کتاب فایده که شنیده است  
مراد از این است ام جعفر صادق علیه السلام خود را می گویند از این قرآن است که در این سوره آمده است  
میکنند در این کتاب فایده که شنیده است و در کتاب فایده که شنیده است و در کتاب فایده که شنیده است  
پس چون بسند او که در این سوره آمده است و در کتاب فایده که شنیده است و در کتاب فایده که شنیده است  
خود را و او را میگویند فام علیه السلام صحیح را که نوشته است بر علی علیه السلام خط خود **معنی** و در کتاب فایده که شنیده است  
علی علیه السلام لا یسجدین فی سجده و کتبه قال فم هذا کتاب الله عز وجل قال انزل الله  
علی محمد صلی الله علیه و آله قد جمعه من الریحین قالوا هو ذلک ما مضی فایده که شنیده است  
لا حاجة لنا فیهِ قال انما انزل الله لا یسجدین فی سجده و کتبه قال فم هذا کتاب الله عز وجل  
جمعه یسجدون **شرح** و در کتاب فایده که شنیده است و در کتاب فایده که شنیده است  
نزد شما که می بینید که در این سوره آمده است و در کتاب فایده که شنیده است و در کتاب فایده که شنیده است  
جنت است و در خبر جنت است و در کتاب فایده که شنیده است و در کتاب فایده که شنیده است  
استیفاء یا نیست از قرآن است و در کتاب فایده که شنیده است و در کتاب فایده که شنیده است











